

## مؤلفه‌های سبکی منظومه یوسف و زلیخای خاوری کوزه‌کنانی

احمدرضا یلمه‌ها،<sup>۱</sup> کرامت نامجو<sup>۲</sup>

### چکیده

داستان یوسف و زلیخا یکی داستان‌هایی است که از قرآن مجید به ادبیات فارسی راه یافته و تاکنون دست‌مایه‌کار تعداد زیادی از شاعران قرار گرفته است. "میرزا معصوم کوزه‌کنانی"، متخلص به خاوری تبریزی، از شاعرانی است که در منظومه‌ای جداگانه به این داستان پرداخته است. نگارندگان پس از تصحیح نسخه‌ای از این منظومه جهت شناساندن هرچه بیشتر هنر این شاعر پارسی‌گوی، به بررسی سبک‌شناسانه این اثر در سه سطح: زبانی، ادبی و محتوایی پرداخته‌اند. بررسی این منظومه نشان‌دهنده آن است که میرزامعصوم خاوری، شاعری تواناست و شعر او سرشار از انواع صورخیال و مضمون آفرینی‌های تازه و بدیع است. ترکیب‌سازی‌ها و استفاده فراوان از آرایه‌های ادبی: (کنایه، استعاره، جناس، تشبیه و ...) در این منظومه مشهود است. از نظر زبانی نیز اگرچه شاعر بیشتر طبق قواعد نحوی و زبانی سده سیزده عمل کرده است، ولی مثل همه شاعران دوره بازگشت ردپای مختصات سبکی شعر قدما در شعر او دیده شده است.

کلیدواژه‌ها: یوسف و زلیخا، سبک، مختصات، زبان، نحو، آوا.

---

۱. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران. ayalmeha@yahoo.com  
۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران. (نویسنده مسئول)  
keramatnamjoo@gmail.com  
تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۳/۲۵  
تاریخ وصول: ۹۴/۱۰/۲۵

## مقدمه

سرایش منظومه‌های عاشقانه در ادب فارسی از اواخر قرن چهارم آغاز می‌شود. با رواج شعر غنایی در قرن پنجم و با توجه به زمینه‌های موجود و رونق داستان سرایی و منظومه پردازی، منظومه‌های عاشقانه نیز شکل می‌گیرد که از برخی نشانی باقی است چون: مثنوی‌های رودکی، وامق و عذرای عنصری و ورقه و گلشاه عیوقی. در همین دوران است که مثنوی به عنوان قالبی برای بیان منظومه‌های عاشقانه تثبیت می‌گردد (ذوالفقاری، ۱۳۸۲: ۷ و ۸). با رواج شعر غنایی در قرون بعد سرایش منظومه‌های غنایی و عاشقانه رواج افزون‌تری می‌یابد. این سیر تکوین داستان‌های روایی هم چنان تا سده‌های بعد ادامه می‌یابد و در قرون دهم، یازدهم و دوازدهم هجری به اوج روایی خود می‌رسد» (یلمه‌ها، ۱۳۹۲: ۹). در این مسیرگاه توجه تعدادی از شاعران به یک داستان، بیشتر معطوف می‌گردد. مثلاً ماجرای عشق یوسف و زلیخا و انعکاس رخدادهای شرح ماجرا، منجر به بازآفرینی تعدادی منظومه غنایی با نام یوسف و زلیخا شده است. شاعران گاه با تأثیر از قرآن، تورات، تفاسیر گوناگون و گاه با تقلید از دیگر شعرای شاخص در حوزه ادبیات غنایی، به آفرینش اثری پرداخته‌اند که بررسی، تجزیه و تحلیل و تقابل آن‌ها می‌تواند، یافته‌های ارزشمندی را نمایان کند. از جمله این منظومه‌ها: یوسف و زلیخای میرزا معصوم خاوری کوزه کنانی است. نگارندگان در این پژوهش بر آن شدند تا این منظومه نفیس و ناشناخته را از منظر سبک‌شناسی مورد بررسی قرار دهند.

## پیشینه تحقیق

تاکنون منظومه‌های غنایی فراوانی تصحیح شده و به چاپ رسیده و انواع گوناگونی از این قبیل داستان‌ها مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است مانند: "کارکرد عناصر فانتزی در منظومه‌های غنایی همای و همایون" از کرمعلی قدمیاوی، "شعله" اثری ناشناخته از غیوری دهلوی، منظومه‌ی "رعنا وزیبا" از شعله گلپایگانی. اما تاکنون، پژوهشی که به طور اخص به بررسی مؤلفه‌های سبکی منظومه یوسف و زلیخای خاوری کوزه کنانی بپردازد، صورت نگرفته است؛ تنها نگارندگان مقاله‌ای با عنوان "یوسف و زلیخا منظومه‌ای فراموش شده از میرزا معصوم" در شماره ۲۱ مجله تحقیقات تعلیمی و غنایی دانشگاه آزاد اسلامی بوشهر، به

چاپ رسانده‌اند که در این مقاله به معرفی شاعر و تحلیل محتوای منظومه غنایی یوسف و زلیخای وی پرداخته شده‌است ولی از منظر سبک شناسی مورد بررسی قرار نگرفته‌است. این دو پژوهش تنها در زمینه معرفی شاعر اشتراکاتی دارد ولی در سایر موارد، به بررسی مسأله مشترکی پرداخته نشده‌است. خیام‌پور در بررسی مجموعه مقالات یوسف و زلیخا به یوسف و زلیخای خاوری که مستنسخ آن اسماعیل بن محمد ابراهیم نام دارد، اشاره می‌کند که در سال ۱۳۴۲ به پایان رسیده است و حدود ابیات آن را بیش از هفت هزار بیت می‌شمرد و می‌نویسد: «دکتررضا شفق زاده مترجم تاریخ ادبیات فارسی تألیف هرمان اته در ترجمه آن کتاب، پاورقی صفحه ۵۳، از بیت آخر، نتیجه گرفته‌اند که ناظم این مثنوی خاوری نام داشته‌است» (خیام‌پور، ۱۳۳۸: ۲۳۵). خیام‌پور در ادامه از چهار شخصیت با نام خاوری یاد می‌کند: ۱- خاوری سمنانی، ۲- میرزا محمد اسماعیل خاوری مازندرانی، ۳- محمد باقر خاوری هروی، ۴- میزا معصوم خاوری کوزه کنانی که در هیچ یک از کتب تذکره موجود، به هیچ کدام از این چهارتن منظومه یوسف و زلیخا نسبت داده نشده‌است (همان: ۲۳۶) مرحوم تربیت نیز در کتاب «دانشمندان آذربایجان» در میان کسانی که داستان یوسف و زلیخا را به نظم در آورده‌اند، از خاوری نام می‌برد ولی تعیین نمی‌کند که اهل کجا بوده‌است (تربیت، ۱۳۱۴: ۱۷۴). نکته دیگر، آن که بر اساس اسناد و روایات موجود در قرن سیزدهم دو خاوری شاعر وجود داشته‌است. خاوری شیرازی و خاوری کوزه کنانی تبریزی. با توجه به این‌که، نسخه یوسف و زلیخای خاوری کوزه کنانی ناشناخته مانده‌است؛ این شاعر آن گونه که بایسته و شایسته‌است، معرفی نگردیده‌است و در «فرهنگ سخنوران» نیز که از خاوری کوزه کنانی به عنوان شاعر و مؤلف یاد شده‌است، از آثار دیگر وی نام برده شده ولی از مثنوی یوسف و زلیخای او سخنی به میان نیامده‌است. لذا در ادامه بحث ابتدا به معرفی سراینده و سپس به سبک شناسی این اثر پرداخته می‌شود.

### معرفی سراینده منظومه یوسف و زلیخا

میرزا معصوم، متخلص به خاوری کوزه کنانی از شاعران سده سیزدهم هـ.ق است. نسبتش به شمس تبریزی می‌رسد. چندی در کاشان متوطن گردید و نظر به سلامت حال و رتبه کمال، ملک الشعرا - فتحعلی خان کاشی - یکی از برادرزادگان خود را به حباله نکاح او درآورد. مفتون در "نگارستان دارا" می‌نویسد: «او ندیمی سخندان و حریفی چرب زبان و در مراتب شعر از

فحول کُبرا و در صفحهٔ عراق از صنایع شعری معنی آرا بوده است» (مفتون، ۱۳۴۲: ۱۵۴). برخی از ابیات منظومه نشان می‌دهد که وی مسلمان شیعی مذهب است، وی از چهارده معصوم به عنوان کسانی یاد می‌کند که نامشان از ازل در لوح محفوظ بوده است. صاحب تذکره خاور می‌نویسد: «خاوری الحق مردی است آرمیده، از علوم رسمی استحضار وافر دارد و از رسوم سخنوری استبصار کافی. در نظم و نثر قادر است و در این هر دو فن شریف ماهر. دراری منظومه‌اش غیرت عقد پروین و لآلی منثورهایش رشک در ثمین. خلاصه اکنون (سال ۱۲۲۵\_۱۲۲۳) از فحول شعری عصر محسوب است. دیوان قصاید و غزلیات او را ملاحظه و قدری از منتخباتش در این سفینه ثبت افتاد» (خاوری، ۱۳۴۴: ۲۳۸). تألیفات خاوری عبارتند از: "دیوان قصاید و غزلیات"، "تحفه الحرمین"، "مهر خاوری" جمع‌آوری هزار بیت از منتخبات اشعار محمود میرزا توسط خاوری و "یوسف وزلیخا" که در مقاله حاضر به آن پرداخته می‌شود. نسخه منحصر به فرد این اثر با شماره ۱۰۳۶۹/۲ در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی موجود است. این اثر، به خط شکسته نستعلیق در هر برگ ۱۶ سطر نوشته شده است و مشتمل بر ۵۵ برگ (ص ۱۶۸-۲۷۷) و ۱۶۷۴ بیت می‌باشد. (درایتی، ۱۳۸۹: ۱۰/۱۲۵۵).

#### بحث و بررسی

#### الف) سبک یوسف و زلیخای خاوری

به روش خاص هر شاعر یا نویسنده برای بیان اندیشه، عواطف و یا احساساتش، سبک ادبی آن شاعر یا نویسنده گفته می‌شود؛ که این سبک متأثر از تمام اتفاقات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و هر آنچه که در جامعه آن شاعر یا نویسنده اتفاق افتاده است، می‌باشد. سیروس شمیسا در کتاب کلیات سبک‌شناسی، سبک شعر را به سه دستهٔ مختصات زبانی، ادبی و فکری تقسیم می‌کند. و در بررسی مختصات زبانی قائل به مختصات آوایی، واژگانی و نحوی است. در این مقاله نیز بر همین اساس به بررسی مؤلفه‌های سبکی منظومهٔ یوسف و زلیخا توجه شده است.

#### ب) مختصات زبانی منظومه یوسف و زلیخا

##### ب-۱) مختصات آوایی

همان‌طور که گفته شد منظومه یوسف و زلیخای میرزا معصوم خاوری در بحر هزج مسدس محذوف (بحری شاد و آهنگین متناسب با بزم و غنا) و بر وزن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (فعولن)

سروده شده‌است که البته این وزن با توجه به داستان غم‌انگیز دوری یوسف از پدر چندان مناسب نمی‌نماید. اغلب قافیه‌های به کار رفته در این منظومه قافیه‌های فعلی (فشانند و نشانند، ماند و داند، آشفته و گفتم، نهادی و گشادی، رسیدی و کشیدی، نگیرد و پذیرد، نخفتی و نگفتی) است. در کنار قافیه‌های فعلی، قافیه‌های اسمی (چاک و پاک، الفت و کلفت، خوشه و توشه، مرز و کشاورز) و قافیه‌های مصدری (پادشاهی و ماهی، یاری و روزگاری، گشایی و خدایی) نیز وجود دارد. قافیه‌های سخت و سنگین (مثل اسلوب و یعقوب، یاری و روزگاری، کاست و نمی‌خواست، راغی و سراغی، گامی و مقامی، هنگ و آهنگ، گستاخ و شاخ، خرگاه و سحرگاه، معصوم و هرقوم، صدائی و زدائی، گوسفندان و دندان) نیز در این منظومه بسیار است. البته اغلب قافیه‌های اسمی آن، خوش‌آهنگ و زیباست، نظیر: گل و بلبل، پرواز و دمساز، آواز و پرواز، دوری و صبوری، دیرینه و شیرینه.

در برخی از موارد، شاعر حروف الحاقی (چهار حرف وصل، خروج، مزید و نایره) را نیز به قافیه اضافه کرده که این موضوع، موسیقی کلام خاوری را افزایش داده‌است. ردیف در منظومه یوسف و زلیخا جایگاه چندانی ندارد و اغلب ابیات این منظومه فاقد ردیف است. از دیگر عناصری که موسیقی کلام منظومه خاوری را افزایش داده‌است، می‌توان به تکرار و ترصیع اشاره داشت. تکرار واژه‌ها در یک بیت از مهم‌ترین خصوصیات آوایی منظومه یوسف و زلیخای خاوری است. این موضوع گاه در یک بیت و گاه در چند بیت متوالی تکرار شده‌است.

زافغان بس که دل همسایه را خست      در آخر رخت از آن همسایگی بست  
 برون از شهر در کنجی وطن کرد      وطن در کنج آن بیت الحزن کرد  
 (خاوری: ابیات ۱۱۶-۱۱۵)

بر اصل و فرع بارم بارگی تاخت      که بار از شاخ و شاخ از بن تهی ساخت  
 (همان: ۱۷)

از دیگر عناصر موسیقایی منظومه خاوری ترصیع است که نمونه‌هایی از آن را می‌توان در مثال‌های زیر مشاهده کرد.

از ایشان است تابان اختر من      از ایشان است رخشان گوهر من  
 (همان: ۱۳۳)

به آن دردی که درمان نیست آن را      به آن راهی که پایان نیست آن را  
 (همان: ۱۲۹)

به اسمائی که در عرشند مسطور  
به ارواحی که در غینند مشهور  
(همان: ۱۴۴)

انواع جناس را هم می‌توان در برخی از ابیات مشاهده کرد:

ندانم کش نشیمن در چه بام است      زمن رم\* کرده اکنون با که رام\* است  
ز شامش بود زاری تا گه بام      ز بامش بی قراری تا گه شام  
(همان: ابیات ۳۶-۳۷)

خاوری کوزه کنانی به درستی از واج‌آرایی و تکرار واج‌ها نیز در کلام خود بهره برده‌است. وی برای بیان اندیشه‌ها و احساساتی مانند: فریاد، خشم، خشونت، توصیف اشخاص و صحنه‌های باشکوه و شگفت‌انگیز یا با عظمت و باشکوه که در زمان تجلی آن‌ها صدا اوج می‌گیرد، از واک‌های درخشان «a» استفاده کرده‌است. مثلاً برای توصیف حضور برادران یوسف در مصر از این واک بهره می‌برد.

به مصر افتاد دیگر باره آشوب      که اینک آمدند اسباط یعقوب  
بود همراهشان رعنای جوانی      به رخ ماهی به قد سرو روانی  
(همان: ابیات ۶۵۴-۶۵۳)

استفاده از واک‌های *u, o, â, a* و تیره که واجگاهشان بخش پسین سخت‌کام یا نرم‌کام است، برای القای افکار و اندیشه‌های ناراحت‌کننده و تیره در منظومه یوسف و زلیخا کاربرد فراوان دارد. به خصوص در بیان احساسات یعقوب در غم فراق یوسف از این واک‌ها بسیار استفاده شده است. البته باید توجه داشت که در این موارد واک‌ها با کشیدگی بسیار به صورتی که صدای آه و ناله را القا می‌کنند تلفظ می‌شوند.

زیاران آن که عمری دور ماند  
به جائی کی شود باری دل آسای  
غم یاران دور از یار داند  
که بی‌دلدار خالی بیند آن جای  
(خاوری: ابیات ۷ و ۸)

تکرار واک‌های «u, o»:

به بیداریت جا در دوش من بود  
به شب در مهد من چون غنچه خفتی  
در آمد صبحدم چون سر ز خوابت  
به خوابت تکیه در آغوش من بود  
سحر چون گل به روی من شکفتی  
فشاندم بر رخ از مژگان گلابت

به شب تا روز غمخوار تو بودم      به غمخواری پرستار تو بودم  
(خاوری: ابیات ۱۰۵-۱۰۲)

تکرار همخوان‌های خیشومی «m و n» نیز در شعر خاوری به خصوص در هنگام بیان حالات حضرت یعقوب نسبت به نبود فرزندش به زیبایی به کار رفته‌اند.

به نومیدی چو آن گم گشته فرزند      در آن ویرانه منزل زیست یک چند  
گذشتش روزگاری مایمی وار      به حسرت سر به زانو رو به دیوار  
نماندش در نظر از گریه آبی      نماندش در جگر از ناله تابی  
چو موئی شد تنش از مویه باریک      جهانش بر جهان بین گشت تاریک  
(خاوری: ب ۱۶۴-۱۶۷)

تکرار واک‌های «ز» نیز در برخی از اشعار حس روان بودن، جریان داشتن و سیالیت و شفافیت را به شعر او داده است. مثلاً در ابیات زیر با تکرار واک «ر» روان بودن گریه را القا کرده است.

همه شب با خیالش راز می‌گفت      غم دیرین خود را باز می‌گفت  
شبی بر رسم دیرین با دل چاک      به محراب اندرش رخ بود بر خاک  
ریاض راز را با آه و زاری      زجوی دیده کردی آبیاری  
که آن سوز نهان اظهار کردی      که آن سوگندها تکرار کردی  
(خاوری: ابیات ۱۷۵-۱۷۲)

برخی از همخوان‌های سایشی «س و ش» را نیز البته نه به اندازه واک‌های یادشده، می‌توان در شعر خاوری یافت.

## ب-۲) سطح لغوی

منظومه یوسف و زلیخای خاوری کوزه کنانی در سطح لغوی از چند نظر قابل بررسی و تأمل است که به ترتیب به آن‌ها اشاره می‌گردد:

در منظومه خاوری گاه با کلمات و ترکیباتی برخورد می‌کنیم که در سبک خراسانی یا عراقی کاربرد داشته‌اند و در زمان سرایش این منظومه، در زبان عادی مردم کاربردی نداشته‌اند، کلماتی مانند سفتن: سوراخ کردن، خستن: اذیت کردن، شدن: رفتن، در شکنج بودن: در رنج بودن، سودن:

ساییدن، هزیمت کردن: فرارکردن، باردادن: اجازه ورود دادن، پرستار: خدمتکار، بسدین: مرجان، سقط: دشنام، ژاژخواییدن: حرف بیهوده زدن، بدرودکردن: بدرودگفتن، غنوده: خوابیده، خامه: قلم، دمایند: دمیده، راغ: مرغزار، شویل: فریب، توسن: اسب، سفیر: قاصد، منشور: فرمان، توقیع: امضاء، شاق: پرده‌دار، باره: اسب، براق: اسب، صلاى عام: دعوت همگانی، بی‌برگ: بی‌زاد و توشه، سقط‌گو: دشنام‌دهنده.

یکی از شاخصه‌های سبک هندی ساخت مضامین جدید بود که این ویژگی، البته با شدت کمتر، به دوره بعدی راه یافت و در شعر شاعران بازگشتی نیز تأثیر نهاد. در منظومه حاضر کلماتی، چون تمنابخش، حسرت‌نصیب، برافروزنده، برافرازانده، عبیراندوز، غم‌رسیده، ماتمی‌وار، سفیرآموز، تذروآسا، دل‌آسا، مزده‌اندیش، شکیبائی‌ده، عتاب‌آمیز، خاطرخستگان، قاصد آه، گم‌گشته فرزندی، غصه‌پرور، ملت‌پرور، امت‌پروری و... قابل مشاهده هستند که این نشان از دایره وسیع واژگانی شاعر دارد.

اغلب شعرای دوره بازگشت باسواد و تحصیل کرده و در روزگار خویش هرکدام در دانشی سرآمد بودند، اما علی‌رغم این مسأله، همچون برخی شعرای دوره صفویه از به کار بردن واژه‌های متداول در زبان مردم (عامیانه) ابایی نداشتند، گاهی اوقات با عبارتی بسیار زیبا و جذاب در شعر مواجه می‌شویم که در کنار همان ترکیبات و عبارات عالی، از واژگانی سست و عامیانه و به دور از فصاحت، که ارزش زیبایی و روانی شعر را می‌کاهد، استفاده شده‌است. شعر دوره خراسانی و عراقی از فخامت و استواری خاصی برخوردار است. شعرا در استفاده از واژگان نهایت دقت و ژرف‌نگری را به کار گرفته‌اند. اما در شعر بازگشت، استفاده از واژه‌های سست و عامیانه که متداول در زبان مردم کوچه و بازار است، امری طبیعی است و همین مسأله از صلابت و صورت ادیبانه شعر می‌کاهد و ممکن است گاهی اوقات آن را در پایین‌ترین حد ممکن قرار دهد. منظومه خاوری نیز از این تقیصه خالی نیست. واژه‌ها و عباراتی چون بسکه، به این زودی، از خود رفتن، به خود آمدن، به پای کسی چیزی ریختن، سازکردن، رم کردن، کاربرد صفت مفعولی به جای فعل (مثل: رفته، گفته و ... به جای رفت، گفت و ...) را می‌توان در این منظومه فراوان یافت.

کاربرد واژگان عربی: در این منظومه به جز واژگان و ترکیبات عربی رایج و متداول در زبان فارسی، به ندرت می‌توان با کلمه عربی غیرمتداول و نامفهومی روبه‌رو شد. خاوری برخلاف



برخی از شاعران دوره بازگشت که به عمد از کلمات و ترکیبات عربی نامعمول در شعر خود استفاده می‌کردند، علاقه‌ای به کاربرد واژگان عربی ندارد.

### ب-۳) سطح نحوی

خاوری کوزه کنانی در این منظومه بیشتر از قواعد دستور زبان رایج در قرن سیزدهم که برخی از آن‌ها به دوره کنونی نیز انتقال یافته‌اند، استفاده کرده‌است، یعنی در نظم و ترتیب و آرایش کلمات، انواع گروه‌های اسمی، وصفی، قیدی و فعلی، نوع جمله‌ها (فعلی، اسنادی، غیرفعلی، ساده و مرکب)، چگونگی کاربرد ضمائر و امثال آن‌ها به این قواعد توجه داشته است، ولی در برخی از موارد نیز به شیوه قدما به خصوص به سبک خراسانی عمل کرده است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

ساخت فعل ماضی و مضارع استمراری با «ی» در پایان فعل یا «همی» در ابتدای فعل در منظومه خاوری اکثر افعال استمراری با «می» ساخته شده‌اند ولی در برخی از موارد از همی در ابتدای فعل استفاده شده‌است. در بیت زیر سه فعل ماضی استمراری به کار رفته که یکی با «همی» و دو فعل دیگر با «می» ساخته شده‌اند (خاوری: ب ۵).

کاربرد اشتباه «ی»: خاوری کوزه کنانی نیز مانند بسیاری دیگر از شاعران دوره بازگشت در برخی از موارد به اشتباه و بدون ضرورت از «ی» در پایان فعل استفاده کرده‌است. مثلاً در بیت زیر نیازی به کاربرد «ی» نبوده‌است.

هرآن رازی که در دل داشتندی      به مهرش در میان بگذاشتندی  
(همان: ۳۰۲)

در برخی از موارد شاعر "نه" را در ابتدا یا به تنهایی در نقش قید منفی به کار برده است، مثلاً در ابیات زیر نه بخشودند یعنی نبخشیدند، یا نه در پایان بیت دوم یعنی نیست.

نه بخشودند بر مظلومی من      زهی مظلومی و محرومی من  
(همان: ۱۴)

ز حال من خبر دار است یانه      به هجر من گرفتار است یانه  
(همان: ۲۰۳)

در این منظومه کاربرد ضمیر به شیوهٔ قدما نیز کاملاً مشهود است که در ادامه به برخی از این موارد اشاره می‌شود:

آوردن ضمیر «ش» فاعلی در سوم شخص مفرد ماضی:

نبودش آگهی تا کرده ریشه ز جوراره و آزار تیشه  
(همان: ۶۷)

جابه‌جایی ضمیر

ضمیر متصل مربوط به اسم دیگری است:

به پایش رختی از هر سو کشیده به زیر سایه خلقش آرمیده  
(همان: ۶۶)

ضمیر متصل به فعل مربوط به متمم فعل است:

که بر تن پوشدت هر روز جامه که هر صبحت نهد بر سر عمامه  
(همان: ۱۱۰)

کاربرد ضمیر متصل مفعولی با اسم یا فعل

کاربرد ضمیر متصل مفعولی با اسم:

نه از سیمم به پای عیش بندی نه از بند غمم در دل گزندی  
(همان: ۷۳)

کاربرد ضمیر متصل مفعولی با فعل:

به وصل او نشینی خرم و شاد به شادی نایدت از روز غم یاد  
(همان: ۱۵۶)

اتصال ضمیر به حرف اضافه:

کت: که تو را

که دل خوش‌دار کت حاجت برآمد زمان امتحان اینک سرآمد  
(همان: ۱۵۳)

خاوری کوزه کنانی «را» را در بیشتر موارد در کاربرد امروزی یعنی نشانه مفعول به کار برده است، ولی مواردی چون را فک اضافه، را به معنی برای و ... نیز در منظومه خاوری به چشم می‌خورد.

«را» نشانه مفعول

به پنجم صف پیا رومی غلامان ششم را خواجه تاشان داده سامان  
(همان: ۱۵۲۸)

را به معنی برای

سریری بود یوسف را در ایوان که بودش همسری با کاخ کیوان  
(همان: ۱۵۲۰)

را فک اضافه

عزیز مصر را فرزند بودن پدروارش به صدعزت ستودن  
(همان: ۱۵۷۰)

کاربرد صفت و موصوف نیز بیشتر به شیوهٔ امروزی است ولی در برخی از موارد می‌توان نشانه‌هایی از سبک قدیم را دید، مانند تقدم صفت بر موصوف یا افزودن "ی" نکره به پایان موصوف.

بر آن بارید جان فرسا تگرگی که در شاخس بجا نگذاشت برگگی  
(همان: ۷۰)

در بیت زیر، هم تقدم صفت را می‌توان دید هم تأخر آن را: بارور نخل، نخل برومند

منم آن بارور نخل برومند که با طویی سپهرم داد پیوند  
(همان: ۷۱)

مگو یوسف بگو گم گشته نامی مگو شاهی بگو عبری غلامی  
(همان: ۲۱۳)

### پ) مختصات ادبی منظومه یوسف و زلیخای خاوری

منظومهٔ خاوری اگرچه از لحاظ ادبی نیز قوی است و سرشار از آرایه‌های ادبی است، ولی هیچ‌کدام از این آرایه‌ها مختص او نیست و نمونه‌هایی از آن را می‌توان در دیگر اشعار فارسی دید. اما پرکاربردترین آرایه‌ها در منظومهٔ او: تشبیه، استعاره، مراعات نظیر و تلمیح است. در ادامه به برخی از آرایه‌های پربسامد منظومه او اشاره می‌شود.

### پ-۱) توصیف‌های زیبا

توصیف صحنه‌های گوناگون، از مهم‌ترین و زیباترین ویژگی‌های این منظومه است. شاعر هر موضوعی را دست مایه‌ی توصیفات خود قرار می‌دهد و به تصویرگری‌های شاعرانه می‌پردازد: توصیف نگرانی‌های یعقوب در جدایی از یوسف، شوریدگی زلیخا در عشق یوسف، گواهی دادن زنان و زلیخا به بی‌گناهی یوسف از مصادیق این توصیفات است. نمونه‌ای از این توصیفات در زیر آورده می‌شود: توصیف طلب فرمودن شاه، زلیخا و زنان مصر را و گواهی دادن هر یک به پاکدامنی یوسف:

چو شه آگه شد از راز نهانی	برآشفت از غضب زانسان که دانی
طلب فرمود آن ناراستان را	ز هر یک خواست شرح این داستان را
همان دوشیزگان کف بریده	که کف گردیدشان نار کفیده
ز روی صدق با شه راز گفتند	به وی آن راز دیرین باز گفتند
چو ما بر روی او دزدیده دیدیم	چو دزدان دست خود یکسر بریدیم
لب شیرین هر یک شد شکر خا	که تهمت بست بر یوسف، زلیخا

(خاوری: ابیات ۳۹۹-۳۹۴)

### پ-۲) تشبیه، استعاره و کنایه

تشبیه و استعاره از دیگر آرایه‌های پرکاربرد منظومه خاوری است. شاعر این دو آرایه را به خصوص هنگامی که مجال وصف می‌یابد، به زیبایی به کار می‌برد. مثلاً در ابیات زیر که از زبان یعقوب در وصف یوسف است، هم می‌توان توصیفات زیبا و هم بسیاری از آرایه‌های ادبی را یافت.

تذرو آسا زدل برداشت فریاد	به ییاد قامت آن سرو آزاد
تشبیه	استعاره

(همان: ۱۶)

زدیده دجله دجله خون گشادی	به هامون گه ز محفل پا نهادی
کنایه از گریه بسیار کردن	

(همان: ۱۸)

شکاری شد مرا از شصت بیرون      زدام من غزالی جست بیرون  
کنایه از دست دادن حضرت یوسف      (همان: ۳۳)

### پ-۳) مراعات نظیر

از آن سیلاب خاکم رفت بر باد      از آن باد آتشم بر خرمن افتاد  
(همان: ۱۷۶)  
نبودش آگهی تا کرده ریشه      ز جوراره و آزاده تیشه  
(همان: ۲۷)  
سیه ابری به بالا کرد میلی      ز طوفانی بلد بگشاد سیلی  
(همان: ۱۷۵)

### پ-۴) تلمیح: تلمیح نیز در منظومه خاوری کاربرد دارد:

تلمیح به گلستان شدن آتش بر حضرت ابراهیم (ع):  
ز گلزار خلیل الله دمیده      به اوج خرمنی بالا کشیده  
(همان: ۱۷۲)

در کشتی شدن حضرت نوح      به آن سرور که در کشتی نشاندی  
به کشتی تن زطوفانش رھاندی      (همان: ۱۳۵)

داستان حضرت یونس و بلعیده شدن او توسط نهنگ:

به استغفار آن کشتی تباهی      که شد تسبیح خوان در بطن ماهی  
(همان: ۱۳۶)

### ت) مختصات فکری پ-۵) مناظره (پرسش و پاسخ)

زوی پرسید نالان، کز کجایی      بگفتا: از دیوار آشنایی  
بگفتا: قاصدی؟ گفتا: که آری      بگفتا: بازگو رازی که داری  
(همان: ۱۸۰-۱۸۱)

داستان یوسف و زلیخا، نخستین بار در تورات و سپس در قرآن و پس از آن در تفسیر و منظومه‌های ادبی آمده است. در بررسی‌های به‌عمل آمده، بین روایت تورات و قرآن مجید،

تفاوت‌هایی است. از آنجا که بنای قرآن بر ایجاز است، این داستان نیز به صورت موجز در یکصد و یازده آیه بیان شده است، اما در تورات، این داستان مفصل‌تر و با افزودن جزئیات و متفرعات ذکر شده است، لذا شاعرانی که به نظم این داستان همت گماشته‌اند به یکی از این دو منبع و یا هر دو توجه داشته‌اند. با بررسی منظومه میرزاعصوم خاوری کوزه‌کنانی، می‌توان اذعان داشت که وی در زمره کسانی است که فقط به روایت قرآن نظر داشته است و با توجه به این که به احتمال زیاد بیشتر مخاطبان با این داستان آشنایی دارند، در این‌جا به خلاصه داستان پرداخته نمی‌شود و فقط به برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های این اثر اشاره می‌شود:

ت-۱) آغاز حادثه عشقی از سوی زلیخاست که با دیدن جمال یوسف یک دل نه، که صد دل، شیفته او می‌گردد، و ماجرای دلدادگی یک سوپیه است.

ت-۲) در دلدادگی زلیخا به یوسف نوعی خیانت به همسر دیده می‌شود و زلیخا در حضور پادشاه مصر رسوا می‌گردد در حالی که در اکثر منظومه‌های غنایی این‌گونه دلدادگی همراه با خیانت و رسوایی کمتر دیده می‌شود.

ت-۳) داستان دلدادگی زلیخا به یوسف تا حدود زیادی شباهت دارد به داستان دلدادگی سودابه، همسر کیکاووس به سیاوش، همان‌گونه که بی‌گناهی یوسف، بر شاه و مردم اثبات می‌شود، بی‌گناهی سیاوش در برابر شاه و مردم با گذر سیاوش از آتش به اثبات می‌رسد و در هر دو داستان، عاشق، خود، همسر و معشوقه کس دیگری است.

ت-۴) این منظومه برخلاف غالب منظومه‌های عاشقانه ادب فارسی، با مناجات و تحمید آغاز نشده است و شاید علت آن باشد که این منظومه منضم است به کتاب «تحفه‌الحرمین» که در آن تحمید و مناجات آمده و سبب تألیف کتاب هم ذکر شده است.

ت-۵) بر خلاف اغلب منظومه‌ها که عشاق هر دو از خاندان شاهی و از لحاظ طبقات اجتماعی هم سطح هستند، در این منظومه آن‌جا که آغاز دلدادگی است، یوسف با وجودی که پیامبرزاده است به عنوان غلامی در دربار عزیز مصر است و زلیخا همسر عزیز مصر و الهه معبد است.

ت-۶) شیوه داستان در داستان و نیز پرداختن به حکایت‌های میان پیوندی که در بیشتر منظومه‌های غنایی مرسوم است، در این منظومه نیز پررنگ است.

ت-۷) عشق مثلثی و سه‌جانبه و یا چندجانبه در این داستان دیده نمی‌شود.

ت-۸) در اغلب داستان‌های عاشقانه، عشاق از نظر سنی با هم فاصله‌ی زیادی نداشته‌اند اما در داستان یوسف و زلیخا اختلاف سنی عشاق زیاد است و زلیخا در نخستین دیدار یوسف و در دوران کودکی یوسف دل به وی می‌سپرد.

ت-۹) برخلاف بسیاری از منظومه‌های روایی و عاشقانه، که آغاز حادثه‌ی عشقی بین عاشق و معشوق، مشاهده‌ی تصویر، دیدن در خواب و شنیدن وصف معشوق یا شنیدن صدای او بوده است، اما در این منظومه زلیخا با دیدن چهره‌ی یوسف عاشق او می‌شود.

ت-۱۰) در اکثر منظومه‌های غنایی عاشق، معشوق را وادار به عشق، دوستی و محبت نمی‌کند، اما در این منظومه زلیخا، یوسف را وادار می‌کند که او را دوست داشته باشد تا جایی که راضی می‌شود بر سر عشق خود، او را به زندان افکند.

ت-۱۱) در اکثر داستان‌ها عاشق و معشوق سابقه الفت و آشنایی با هم نداشته‌اند اما در این داستان یوسف کسی است که از کودکی نزد زلیخا و در قصر او پرورش یافته بود و عاشق و معشوق هم خانه‌اند.

ت-۱۲) در اکثر داستان‌های غنایی عاشق و معشوق در پی ازدواج بوده‌اند، اما در این داستان زلیخا به دنبال ایجاد یک رابطه‌ی نامشروع با یوسف بوده است.

## نتیجه

میرزا معصوم متخلص به خاوری کوزه‌کنانی از شاعران سده سیزدهم هجری است که او را ندیمی سخندان و حریفی چرب‌زبان و در مراتب شعر از فحول کُبریا و در صفحه‌ی عراق از صنایع شعرای معنی آرا دانسته‌اند. دیوان قصاید و غزلیات، تحفه‌الحرمین، مهر خاوری و منظومه یوسف و زلیخا از تألیفات اوست که در مقاله حاضر به بررسی مؤلفه‌های سبکی منظومه یوسف و زلیخای او پرداخته شد. از بررسی‌های سبک‌شناسانه یافته‌های زیر به دست آمده است:

در خصوص مختصات آوایی: منظومه یوسف و زلیخای میرزا معصوم خان خاوری در بحر هزج مسدس محذوف (بحری شاد و آهنگین متناسب با بزم و غنا) و بر وزن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن سروده شده است که البته این قالب با توجه به داستان غم‌انگیز دوری یوسف از پدر چندان مناسب نمی‌نماید. غالب قافیه‌های به کار رفته در این منظومه قافیه‌های فعلی است، ولی قافیه‌های اسمی و قافیه‌های مصدری نیز وجود دارد. قافیه‌های اسمی اغلب بیشتر خوش‌آهنگ

هستند، ولی در برخی موارد قافیه‌های سخت و سنگین نیز در این منظومه دیده شده است. در برخی از موارد، شاعر حروف الحاقی (چهار حرف: وصل، خروج، مزید و نایره) را نیز به قافیه اضافه کرده، که این موضوع موسیقی کلام خاوری را افزایش داده است. ردیف در منظومه یوسف و زلیخا جایگاه چندانی ندارد و اغلب ابیات این منظومه فاقد ردیف است. تکرار، ترصیع و جناس به ترتیب از دیگر عوامل افزایش موسیقی کلام خاوری هستند. کاربرد به جای واج‌ها را نیز نباید از خاطر دور داشت، واک‌های درخشان «a»، واکه‌های بم و تیره (a, â, o, u)، واک‌های «o, u» و واک «r» و همخوان‌های خیشومی «m و n» در منظومه بسیار کاربرد داشته‌اند.

درخصوص مختصات واژگانی: اگرچه بیشتر واژگان منظومه‌ی خاوری را واژگان متداول در سده سیزدهم تشکیل می‌دهند ولی استفاده از واژگان قدیمی و کهن که در سبک خراسانی یا عراقی کاربرد داشته‌اند، در این منظومه بسیار دیده می‌شود. این منظومه البته خالی از ترکیبات جدید و زیبا و همچنین واژگان عامیانه نیز نیست. در ضمن به جز واژگان و ترکیبات عربی رایج و متداول در زبان فارسی، به ندرت می‌توان با کلمه‌ی عربی غیرمتداول و نامفهومی در این منظومه روبه‌رو شد. خاوری برخلاف برخی از شاعران دوره‌ی بازگشت که به عمد از کلمات و ترکیبات عربی نامعمول در شعر خود استفاده می‌کردند، علاقه‌ای به کاربرد واژگان عربی ندارد. درخصوص مختصات نحوی: خاوری کوزه کنانی در این منظومه بیشتر از قواعد دستور زبان رایج در قرن سیزدهم که برخی از آن‌ها به دوره‌ی کنونی نیز انتقال یافته‌اند، استفاده کرده است، یعنی در نظم و ترتیب و آرایش کلمات، انواع گروه‌های اسمی، وصفی، قیدی و فعلی، نوع جمله‌ها (فعلی، اسنادی، غیرفعلی، ساده و مرکب)، چگونگی کاربرد ضمائر و امثال آن‌ها به این قواعد توجه داشته است، ولی در برخی از موارد نیز به شیوه‌ی قدما به خصوص به سبک خراسانی عمل کرده است که به صورت مفصل به آن پرداخته شد.

درخصوص مختصات ادبی: منظومه‌ی خاوری اگرچه از لحاظ ادبی نیز قوی است و سرشار از آرایه‌های ادبی است، ولی هیچ‌کدام از این آرایه‌ها مختص او نیست و نمونه‌هایی از آن را می‌توان در دیگر اشعار فارسی دید. اما پرکاربردترین آرایه‌ها در منظومه‌ی او: تشبیه، استعاره، مراعات نظیر و تلمیح می‌باشد. هنر خاوری البته در تصویرهای زیبایی که با استفاده از تشبیه و استعاره به تصویر می‌کشد، به خصوص توصیفاتی که از زبان حضرت یعقوب در وصف یوسف گفته می‌شود



یا تصاویری که به بیان حال حضرت یعقوب در دوری فرزند به تصویر می‌کشد بسیار ستودنی است.

درخصوص مختصات فکری: داستان یوسف و زلیخای خاوری کوزه کنانی مانند دیگر داستان‌های غنایی است و چیزی اضافه بر آن‌ها ندارد. اما نکته‌ی حائز اهمیت این است که میرزامعصوم خاوری کوزه کنانی در زمره‌ی کسانی است که در سرایش منظومه‌ی یوسف و زلیخا فقط به روایت قرآن نظر داشته است و با به نظم کشیدن این داستان به زبان فارسی و توصیفات خود کوشیده است هنر شاعری خود را به رخ بکشد و الا در داستان مزبور، از نظر طرح داستان، نوآوری صورت نگرفته است.

## منابع

۱. تربیت، محمدعلی (۱۳۱۴). «دانشمندان آذربایجان»: تهران: انتشارات وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی.
۲. خاوری شیرازی، فضل‌الله حسینی (۱۳۷۹). «تذکره خاوری»: تصحیح محدث میرهاشم، زنجان: انتشارات زنگان.
۳. خاوری کوزه کنانی، میرزامعصوم «یوسف و زلیخا»: نسخه خطی شماره ۱۰۳۶۹/۲؛ مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی.
۴. خیام‌پور، عبدالرسول (۱۳۳۸). «یوسف و زلیخا»: نشریه‌ی دانشکده ادبیات تبریز؛ سال یازدهم؛ شماره بهار.
۵. درایتی، مصطفی (۱۳۸۹). «فهرست‌واره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)»: تهران: کتابخانه؛ موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۶. ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۲). «منظومه‌های عاشقانه‌ی ادب فارسی»: تهران: انتشارات نیما.
۷. شمیسا، سیروس (۱۳۷۴). «سبک‌شناسی شعر فارسی»: تهران: نشر فردوس، ۱۳۷۴.
۸. مفتون دنلی، عبدالرزاق (۱۳۴۲). «نگارستان دارا»: تصحیح عبدالرسول خیام‌پور، تبریز: بی‌تا.
۹. یلمه‌ها، احمدرضا (۱۳۹۲). «قصر بی‌قراری بررسی و تحلیل هشت منظومه غنایی ناشناخته»: تهران: شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.